

هم‌افزایی دیپلماسی شهری با دیپلماسی عمومی در حوزه تعاملات فرهنگی و اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱

افسانه خسروی^۱

حمید احمدی^{۲*}

مهدی ذاکریان^۳

علیرضا موسوی زاده^۴

چکیده

درک شرایط امروز جهان ایجاب می‌نماید که منافع ملی کشورها فقط از منظر دیپلماسی رسمی تعریف نشود و مؤلفه‌های نظیر دیپلماسی شهری، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، هویت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی نیز به عنوان سایر ابعاد ارتقای سطح منافع ملی و پیشبرد سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرند. بر این اساس به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که؛ دیپلماسی شهری و دیپلماسی عمومی چگونه می‌توانند در سیاست خارجی نقش موازی و مکمل را ایفا کنند؟ در پاسخ به این سؤال به نظر می‌رسد؛ دیپلماسی شهری در جهت موازی بر موضوعاتی است که ارتباط مستقیم با شهروندان را داشته و با تأکید بر صنعت گردشگری و تعامل با شهرهای خواهرخوانده و همچنین سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد و تعاملات فرهنگی و گسترش ارزش‌ها و هنجارها می‌تواند نقش مکمل و مؤثری بر کارکرد دیپلماسی عمومی مبتنی بر توسعه و بهسازی روابط بین‌ملتها و شهروندان، ارتباط با افراد کلیدی، برقراری روابط استراتژیک، در سیاست خارجی را ایفا کند؛ بنابراین در این حرکت موازی هر چه شهرها در رقابتی نامحسوس بتوانند منزلت و جایگاه خود را از سطح ملی به سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی ارتقاء دهند به نوعی بستر رشد و توسعه دیپلماسی (مردم - دولت) در کشور به مرحله عملیاتی خواهد رسید. به این ترتیب زمینه جذب گردشگران، سرمایه‌گذاران، رونق اقتصادی و انتقال اطلاعات و هویت‌های فرهنگی فراهم خواهد شد.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، دیپلماسی شهری، سیاست خارجی، منافع ملی.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (afsane.khosravi88@yahoo.com)

۲. استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، عضو مدعو گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول: hahmadi@ut.ac.ir)

۳. دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Zakerian@isj.ir)

۴. استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (moussavizadeh@contact.com)

مقدمه

دیپلماسی ابزاری است که به واسطه آن کشورها از خلال نمایندگان رسمی و غیررسمی به مدیریت، هماهنگی و صیانت منافع ویژه و یا به‌طورکلی همه منافع خود می‌پردازند. در این مسیر می‌توان گفت دولت‌ها دیگر بازیگران صفر در صحنه بین‌المللی نیستند و موازی با مردم قرار خواهند گرفت. در این راستا، اگر زمانی مسائل سیاست جهان تنها به وسیلهٔ تعامل دولت‌ها حل و فصل می‌شد، اکنون مسائل دیگری در دستور کار سیاست بین‌الملل قرار گرفته که از صلاحیت و اقتدار دولت‌ها خارج شده و مرز تفاوت میان مسائل داخلی و بین‌المللی سیاست کم‌رنگ‌تر شده است.

در عصر گسترش فناوری و انتقال اطلاعات و جهانی شدن ما شاهد ادغام هویت‌های بازیگران فروملی، ملی و فراملی و تلفیق سطوح تحلیل محلی، ملی و جهانی هستیم، آن‌چنان‌که تغییراتی از قبیل، افزایش ارتباطات فرامرزی میان بازیگران غیردولتی، افزایش قوانین و مقررات فراکشوری، گسترش جامعه مدنی جهانی به علاوه تشدید آگاهی جهانی همراه با وابستگی متقابل و گردش پرشتاب کالاها، خدمات، انسان‌ها و اطلاعات (موجب فرسایش حاکمیت‌ها، کاهش نقش دولت‌های ملی، کم‌رنگ شدن مرزها و قلمروزدایی) شده است.

در چنین شرایطی اشکال جدید دیپلماسی مانند دیپلماسی شهری، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی رسانه‌ای و ... موجب هم‌افزایی و هم‌تکمیلی کارکردهای دیپلماسی رسمی، (دولت- دولت) خواهد شد. در این چارچوب، دیپلماسی‌های نوین نه تنها در رقابت با دیپلماسی رسمی نیستند بلکه به نوعی می‌توانند پیوند و توازن جدیدی برای کسب منافع ملی حداکثری ایجاد کنند. بر این اساس به روش توصیفی- تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال اصلی هستیم که؛ دیپلماسی شهری و دیپلماسی عمومی چگونه می‌توانند در سیاست خارجی نقش موازی و مکمل را ایفا کنند؟ در پاسخ به این سؤال به نظر می‌رسد؛ دیپلماسی شهری در جهت موازی بر موضوعاتی است که ارتباط مستقیم با شهروندان را داشته و با تأکید بر صنعت گردشگری و تعامل با شهرهای خواهرخوانده و همچنین سازمان‌های غیردولتی مردم‌نهاد و تعاملات فرهنگی و گسترش ارزش‌ها و هنجارها می‌تواند نقش مکمل و مؤثری بر کارکرد دیپلماسی عمومی مبتنی بر توسعه و بهسازی روابط بین‌ملت‌ها و شهروندان، ارتباط با افراد کلیدی، برقراری روابط استراتژیک، در سیاست خارجی را ایفا کند.

الف - مفهوم شناسی دیپلماسی شهری^۱

دیپلماسی در معنای کلی آن تعامل با جوامع برای تأمین منافع، افزایش نفوذ، کاهش آسیب‌پذیری، با کم‌ترین هزینه تعریف می‌شود و آنچه در بطن دیپلماسی وجود دارد تلاش برای جلوگیری از تخاصم و افزایش همکاری‌های سیاسی و اقتصادی و تبادل دانش، هنر و تمثیت روابط خارجی است (امیری، ۱۳۹۶: ۲۶). دیپلماسی سنتی از حیث بازیگران و اهداف و موضوعات با دیپلماسی شهری متفاوت است در واقع بازیگران دیپلماسی رسمی (دولت - دولت) است و بازیگران دیپلماسی‌های نوین مبتنی بر روابط (مردم - دولت‌ها) است. بر این مبنا بازیگران دیپلماسی شهری، هویت‌های فرو ملی (شهرها و مقامات محلی) و بازیگران اصلی دیپلماسی سنتی دولت‌ها هستند. دیپلماسی سنتی، به مسائل سیاست اعلی، یعنی مسائل مهم و حساس که ناظر به مسائل ملی و بین‌المللی است می‌پردازد. درحالی‌که مسائل مرتبط با دیپلماسی شهری، موضوعات مربوط به سیاست اعلی را کمتر در برمی‌گیرد و به موضوعات سیاست ادنی یا سیاست نرم می‌پردازد (دهشیری، خرمی، ۱۳۹۷: ۹۱).

دیپلماسی شهری به عنوان مکمل دیپلماسی رسمی، به عملکرد مدیریت‌های شهری برای کنترل کشمکش‌ها و تقویت همکاری‌های جهانی بین شهری و دستیابی به منافع و علایق شهری و شهروندی مشترک با هدف برقراری و ایجاد یک زیست شهری پایدار همراه با انسجام فرهنگی و اجتماعی گفته می‌شود. این نوع از دیپلماسی، ابزار سیاست‌گذاری شهری، فرآیندها، نهادها و ترتیبات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی - فرهنگی است تا مدیران شهرهای مختلف جهان بتوانند فضایی امن، دموکراتیک، سرشار از رفاه، نشاط و آزادی‌های مبتنی بر حقوق بشر برای شهروندان خود و شهروندان جهانی ایجاد کنند (نجاتی حسینی، ۱۳۹۱: ۸۳).

دیپلماسی شهر می‌تواند محصولی از اقدامات هماهنگ سازمان‌های مردم‌نهاد باشد. می‌توان گفت: این شکل از دیپلماسی در نتیجه‌ای از ابتکارات اولیه سازمان‌های مردم‌نهاد به یک همکاری فراگیرتر تبدیل می‌شود و در واقع دیپلماسی شهری پدیده‌ای درحال تحول است که در آن پس از مدتی همکاری به وجود می‌آید و این سازمان‌های مدنی مردم‌نهاد مبنای دیپلماسی‌های شهر هستند (Van Overbeek, 2008: 20).

همچنین دیپلماسی شهری، هنر کاربردی روابط بین‌الملل برای مذاکرات، تعامل، توسعه و بهسازی

1 . Urban Diplomacy

روابط بین ملت‌ها و رای مشکلات و معضلات روابط دولت‌ها است و بخش مهمی از دیپلماسی عمومی کشورهای مردم‌سالار و پیشرفته به شمار می‌رود (جمالی نژاد، ۱۳۹۲: ۶۱). این فعالیت‌ها راهکارهایی ارائه می‌دهد که به وسیله آن شهرها باهدف نشان دادن توانایی‌ها و علاقه‌مندی‌های خود، ارتباطات و تعهداتی را با دیگر بازیگران بین‌المللی اعم از مجامع، سازمان‌ها و شهرهای مختلف به عهده می‌گیرند. به این معنا، دیپلماسی شهری نوعی از تمرکززدایی از ارتباطات بین‌المللی است که شهرها بازیگران اصلی آن هستند (نجاتی حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۶)؛ بنابراین شبکه‌های شهری عناصر مهم چشم‌انداز جهانی هستند و دیپلماسی شهری برای درک بهتر پیامدهای سیاست جهانی رابطه مهمی با عناصر شهری دارد (Aouto, 2017: 16). دیپلماسی شهری، مسائل محلی مربوط به سیاست‌های فرهنگی و اقتصاد را نیز دربر می‌گیرد. در مواردی که دیپلماسی شهری نقشی در تأمین یا حفظ صلح داشته است، قطعاً متولیان و اعطاکنندگان چنین اختیاری، مقامات محلی نبوده‌اند بلکه دولت‌ها در سطحی کلان نسبت به موضوع مزبور تصمیم‌گیری نموده و سپس به دنبال اجرا و عملیاتی کردن آن، بخشی از راه‌حل‌های فرهنگی را از طریق دیپلماسی شهری قابل تحقق دانسته‌اند. کارگزاران دیپلماسی سنتی دیپلمات‌ها و کارکنان وزارت امور خارجه هستند درحالی‌که کارگزاران دیپلماسی شهری مقامات محلی هستند که ممکن است حتی اطلاعاتی کافی در زمینه مسائل سیاسی نداشته باشند (دهشیری، خرمی، ۱۳۹۷: ۹۱).

می‌توان گفت ایده دیپلماسی شهری حول چند مضمون صورت گرفته است که هدف نهایی آن برقراری زیست فضای شهری پایدار، ایجاد فضای دموکراتیک و آزادی حقوق بشر برای شهروندان خود و شهروندان جهان است (نجاتی حسینی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). بر این اساس دیپلماسی شهری عبارت از فرآیندی که مؤسسات در شهرها با یکدیگر درگیر روابط با بازیگران بین‌المللی با هدف «حفظ منافع» خود در تعاملات دو طرفه خواهند شد. این بازیگران به نمایندگی از شهر خود، وارد روابط دوجانبه، چندجانبه فعال یا منفعلانه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌شوند (van der Pluijm, 2007: 1).

در این راستا مؤسسات عمومی غیردولتی با ارتباطات بین شهرداری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد درگیر در یک منطقه می‌تواند به یک همکاری مستقل و پایدار تبدیل شوند. در واقع همکاری جامع چند بازیگر فرو ملی، می‌تواند مفهوم دیپلماسی شهری را به خود بگیرد؛ البته می‌توان گفت در این حالت استفاده از مفهوم دیپلماسی شهری کاملاً اختیاری است و نمی‌تواند به معنای واقعی و جامع

دیپلماسی شهری رنگ و لعاب روابط بین‌المللی بگیرد. از این رو عملکرد دیپلماسی شهری که در واقع تحرک هویت‌های فرو ملی در زمینه تعاملات خارجی است، باید هماهنگ با سیاست‌های ملی و سیاست خارجی باشد؛ در این صورت مانعی وجود ندارد که در راستای سیاست خارجی، فروملی تعاملات خارجی داشته باشند (Van Overbeek, 2008: 20).

دیپلماسی شهری با هدف برقراری صلح بین‌المللی و رشد و توسعه اقتصادی نواحی شهری و بهره‌گیری از تجارب موفق در زمینه رعایت حقوق شهروندی و ارتقای رفاه عمومی، می‌تواند نقش خود را در ارتقای روابط دیپلماتیک غیررسمی و به عنوان مکمل دیپلماسی رسمی حکومت مرکزی به منصفه ظهور رساند (دهشیری، خرمی، ۱۳۹۷: ۹۱).

برخی نویسندگان برای دیپلماسی شهری نگاه ارزشی و هنجاری قائل می‌شوند آن‌ها معتقدند؛ دیپلماسی شهری ابزار سیاست‌گذاری شهری است که به منظور کنترل کشمکش‌ها برای تقویت همکاری‌های جهانی میان-شهری و حصول به منافع عالی شهری و شهروندی مشترک استفاده می‌شود و بر شش موضوع امنیت شهری، توسعه شهری، اقتصاد شهری، شبکه شهری، نمایندگی شهری و فرهنگ شهری متمرکز است. مجموع این فعالیت‌ها توسط مقامات حکومت‌های محلی یا موجودیت‌های فروملی به منظور ارتقای انسجام اجتماعی، جلوگیری از منازعات، برقراری صلح و بازسازی پس از منازعات در یک منطقه درگیر منازعه، انجام می‌شود و در این راستا دیپلماسی شهری به دنبال گسترش نقش شهرها به عنوان اعضای جامعه بین‌المللی، اشاعه ارزش‌های دموکراسی، حاکمیت قانون و حقوق بشر است (دهشیری، ۱۳۹۷: ۹۳).

برخی از نویسندگان تعریفی از دیپلماسی شهری ارائه می‌دهند؛ مبنی بر اینکه بازیگران دو طرف، بر همکاری شهرها و شهروندانشان در هر دو طرف، به هر شکلی که می‌تواند تلاش می‌کنند تا به بهترین روش منافع خود را کسب کنند. در این تعریف علاوه بر شهر، ساختمان و معماری آن، شرایط جوامع انسانی و شرایطی که در آن زندگی می‌شود نیز تأکید دارد (Van Overbeek, 2008: 15).

بنابراین می‌توان گفت دیپلماسی شهری به دو بخش تقسیم می‌شود. دیپلماسی شهری دوجانبه^۱ و دیپلماسی شهری چندجانبه^۲. در تعریف دیپلماسی شهری دوجانبه همان‌گونه که از نامش پیداست دیپلماسی میان دو شهر است و در حالت دوم دیپلماسی چندجانبه که بستر تعاملات فرامرزی را باز

1 . Bilateral Urban Diplomacy

2 . Multilateral Urban Diplomacy

می‌کند. در این صورت مزیت دیپلماسی چندجانبه شهری در این است که، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند در کنار کلان‌شهرها به همکاری‌های بین‌المللی اعتبار بیشتری ببخشند و آن دسته از راه‌حل‌های دوجانبه که نتوانسته پاسخگوی مشکلات شهری باشد در این شکل از دیپلماسی فعال‌تر می‌شود (زرقانی، ۱۳۹۳: ۱۷۰).

در اصل علت به وجود آمدن این نوع از دیپلماسی مبتنی بر کاستی‌های دیپلماسی سنتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی و تأمین منافع بازیگران دولتی و غیردولتی عرصه بین‌الملل در چهارچوب تعاملات فزاینده و چندوجهی اقتصاد جهانی است. دیپلماسی سنتی اساساً قائل به برتری سیاست بر اقتصاد بوده و عمدتاً بر پایه روابط دوجانبه و چندجانبه دولت‌های ملی و یا حداکثر در قالب تعاملات بین‌الدولی در سازمان‌های بین‌المللی عمل می‌کند (موسوی شفاپی، ۱۳۸۹: ۲۲).

در این راستا دیپلماسی شهری توانایی این را دارد که یک بازیگر کارآمد در جوامعی باشد که محیط آن دچار درگیری‌های شده و ظرفیت‌های انسانی، مالی و مادی محلی را با مکانیسم‌های سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و کمک‌های خارجی در خود جا داده است (Van Overbeek, 2008: 15).

براین مبنا با شکل‌گیری قلمرو عمومی جهانی همراه با تحولات پیچیده ژئوپلیتیکی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مفهوم دولت‌محوری از دیپلماسی گرفته‌شده و دیپلماسی به طور انحصاری دیگر در اختیار دولت‌ها نیست. لذا برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدات ناشی از این تغییرات، دیپلماسی‌ها نیازمند مسئولیت مشترک با همکاری دولت‌ها و کنشگران جدید جهانی هستند (رزمجو، خسروی، ۱۳۹۵: ۳۱). وجه مشترک تعاریف دیپلماسی شهری نشان می‌دهد که شهرها در سیاست جهانی و روابط بین‌الملل قابلیت جایگزین شدن برخی از نقش‌های دولت‌ها را دارند. دیپلماسی شهری در واقع بخش اجرایی و عملیاتی دیپلماسی رسمی است که با نشان دادن توانایی‌ها و پتانسیل‌های شهری به موازات دیپلماسی عمومی و با به کار بردن آن در جهت توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهرها، در عرصه گسترش تکنولوژی و تبادل اطلاعات به افزایش وزن سیاست خارجی و کسب منافع ملی می‌انجامد.

ب- سیر تحولات تاریخی دیپلماسی شهری

در عمل، روابط بین‌الملل شهری قبل از اینکه دولت‌ها به معنای امروزی باشد، در تاریخ باستان آسیا به عنوان مثال جاده ابریشم وجود داشته است و شهرها با هم مجموعه‌ای از شبکه قوانین تجارت، معاملات، قوانین مهاجرت متقابلی را داشته‌اند و از طریق همین شبکه‌های شهری بسیاری از شهرهای جهانی به یکدیگر نزدیک بودند (Nijman, 2018: 17). بر این اساس شاید مفهوم دیپلماسی شهری و موضوعات آن در حال حاضر جدید به نظر می‌رسند، اما تحقیقات نشان می‌دهد که از دولت‌شهرهای یونان باستان تا شهرهای دوران قرون وسطی و دوران اسلامی، همچنان این شهرها بودند که ارتباطات تجاری، فرهنگی و اجتماعی بین جوامع را به صورت مستقیم و غیرمستقیم بین خود برقرار می‌کردند، با شکل‌گیری دولت - ملت‌ها و همچنین شکل‌گیری روابط بین کشورها بر اساس مناسبات بین دولت‌ها به واسطه دولت‌های مرکزی، ارتباطات بین شهری تحت‌الشعاع ارتباطات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها قرار گرفت (Surmacz, 2018: 11).

شهرها در ابتدای شکل‌گیری خود محصور در قلمروهای پیرامونی بوده و بیشتر با پس‌کرانه‌های خود در سطح محلی تعامل داشتند. از این رو هر شهری حوزه‌ی نفوذ خاصی داشت که اساساً نیازهای غذایی خود را از آن قلمرو تأمین می‌کرد به تدریج هم‌زمان با شکل‌گیری امپراطوری‌های بزرگ، شهرها نیز تعاملات خود را از سطح محلی به سطح منطقه‌ای در درون امپراطوری و حتی فراتر از این به سطح جهانی متناسب با شرایط مرسوم آن زمان رساندند. در واقع حوزه‌ی نفوذ بسیاری از شهرهای اصلی یک امپراطوری نه تنها شامل شهرهای امپراطوری‌های مجاور می‌شد، بلکه امپراطوری‌های دوردست را نیز در برمی‌گرفت. به عنوان مثال بسیاری از شهرهای چین از طریق یک سلسله از شبکه‌ی شهرهای منطقه‌ای و یا شهرهای امپراطوری‌های مجاور مانند: سمرقند، تاشکند، تبریز، بغداد، معاملات اقتصادی گسترده‌ای با شبکه‌ی شهرهای قاره اروپا، به ویژه با شهر رم داشتند. شهر رم مرکز امپراطوری رم محسوب می‌شد که در ارتباط با امپراطوری چین، این امپراطوری به عنوان یک امپراطوری دوردست تلقی می‌شد. بنابراین شهرهایی همچون رم، ونیز، دمشق، تبریز، بغداد، بمبئی، پکن، مالاکا دارای حوزه‌ی نفوذ جهانی بودند و در آن‌ها کالاهای شهری (کشاورزی - صنعتی) و پول‌های رایج آن زمان از طریق شبکه‌ی راه‌های زمینی و دریایی مبادله می‌شد. این شهرها در واقع مانند حلقه‌های یک زنجیر با هم در ارتباط و تعامل پیوسته بودند و از حوزه‌ی نفوذ یکدیگر بهره‌مند می‌شدند. این نوع روابط در گذشته

باعث شده است که بسیاری از نظریه‌پردازان جهانی‌شدن در اواخر قرن بیستم بر این اعتقاد باشند که روابط بین‌الملل و جهانی‌شدن خیلی قبل‌تر از شکل‌گیری حکومت‌های ملت پایه در تمدن بشری در قالب امپراطوری‌های بزرگ و با تمرکز بر مکان‌های شهری آن زمان شکل گرفته بود (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۸).

نکته قابل توجه این است که تعاملات و ارتباطات شهری به معنای امروزی، موضوعی است که اساساً در دوران پس از جنگ جهانی دوم و در فضای جنگ سرد میان غرب و شرق ایجاد شده است. تعداد فزاینده‌ای از دولت‌های محلی قصد دارند برای حمایت از شهرهای آسیب‌دیده از جنگ و یا شهرهای که درگیری‌های داخلی دارند به منظور تحکیم دموکراسی، تضمین صلح و ثبات و افزایش مشارکت شهروندان در فرآیندهای دموکراتیک به طراحی برنامه‌های برای تعاملات در سطح منطقه و بین‌المللی بپردازند (Van Overbeek, 2008: 15). در این دوره ریشه شکل‌گیری دیپلماسی شهری بر این مبنا استوار بود که مردم شهرها می‌توانند صرف‌نظر از مسائل سیاسی و امنیتی که بین دولت‌ها در جریان است، با یکدیگر تعاملات گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برقرار نمایند. بسیاری از سازوکارهای همکاری شهری یا خواهرخواندگی (شهرهای همسان) شهرها، میراثی از فضای تعاملات شهری بعد از دوران جنگ جهانی دوم است. این نوع تعاملات، بعد از جنگ جهانی دوم در بین کشورهای غربی، سپس به بلوک شرق و جهان سوم گسترش و رواج یافته است (دهشیری، ۱۳۹۷: ۹۴). بر این اساس می‌توان گفت: وجود این عناصر در شهرهای قدیمی حاکی از یک نظام کنترلی و سیاسی بوده که تمام جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شهر را نظارت نموده‌اند و بی‌شک دیپلماسی یکی از لوازم کنترلی و ابزار ارتباط آن‌ها با دیگر شهرها و واحدهای سیاسی فضایی مرتبط بوده است. بنابراین اگر رابطه خواهرخواندگی بین شهرها را از مصادیق دیپلماسی شهری بدانیم ریشه آن به سال ۱۹۲۰ برمی‌گردد (saunier, 2008: 126).

یکی از الزامات دیپلماسی شهری اهمیت به نقش خواهرخواندگی^۱ است. در این تفاهم‌نامه عموماً قراردادی، بین دو کشوری بسته می‌شود که شهرهایشان زمینه‌های مشترکی با یکدیگر داشته باشند. مهم‌ترین کارکرد این قراردادها توسعه دیپلماسی است که در آن مردم و بازاریگران فرو ملی نقش عمده‌ای دارند و اولین رابطه با نشست مسئولان ارشد بوده و توسعه گردشگری، مشارکت در

1 . Sister city

بازسازی و تبادل مدیریت امور شهری و رفت و آمد شهروندان را با خود به همراه می‌آورد.

پ- الزامات و ضرورت خواهرخواندگی در دیپلماسی شهری

پیمان خواهرخواندگی، رابطه‌ی دوستانه و هدفمندی است که برای تبادل اطلاعات و تجربیات و توسعه‌ی مناسبات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، شهری، فنی و سیاسی میان یک جامعه‌ی شهری با جامعه‌ی شهری مشابه خارجی برقرار می‌شود. شهرهای دوقلو، شهرهای خواهرخوانده و حتی شهرهای برادرخوانده عناوینی هستند که شهرهای جهان را به یکدیگر پیوند می‌دهند. این پیوند با اتمام جنگ جهانی دوم در سال 1945 برای نخستین بار در شهرهای کشورهای اروپایی شکل گرفت. مدتی بعد و در سال 1956 رئیس‌جمهور وقت آمریکا در ارائه‌ی برنامه «مردم به مردم» خود در شکل‌گیری پیمان‌های خواهرخواندگی بین شهرهای آمریکا با شهرهای جهان تأکید کرد و بدین ترتیب حرکتی جهانی برای این موضوع ایجاد شد، در اروپا این پیوند را ایجاد شهرهای دوقلو می‌نامند، درحالی‌که در آمریکا پیوند خواهرخواندگی بین شهرها بسته می‌شود و شوروی سابق از این پیوندها با عنوان برادرخواندگی نام می‌برد (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

این شهرها به طور فزاینده‌ای در سطح بین‌المللی فعال هستند. آن‌ها شبکه‌ها، پروژه‌های دوقلو و طرح‌های اقتصادی زیادی را برای توسعه به اشتراک می‌گذارند. انتقال اطلاعات، امضای توافق‌نامه‌های همکاری، در تهیه پیش‌نویس ملی و سیاست‌های بین‌المللی، ارائه کمک‌های توسعه، تصویب کمک به پناهندگان و موارد دیگر از طریق جمله همکاری‌های ایست که به طور غیرمتمرکز از شهر به شهر یا از منطقه به منطقه دیگر در میان شهرهای خواهرخوانده در جریان است (Marchetti, 2017:3).

تفاهم خواهرخواندگی بین شهرهایی امضا می‌شود که نوعی وجه تشابه و همسانی از قبیل ویژگی‌های باستانی، تاریخی، فرهنگی، نمادها مشترک و غیره با یکدیگر داشته باشند تا از ظرفیت‌های یکدیگر برای پیشبرد اهداف خاص علمی، فنی، گردشگری و نظایر آن استفاده کنند. خواهرخواندگی بدون توجه به قراردادهای رسمی بین دولت‌ها به وسیله‌ی شهرداران و مدیران محلی که ارتباط نزدیکی را با شهروندان دارند، انجام می‌شود و باعث رشد و توسعه‌ی پایدار شهرها، کاهش مشکلات جوانان، تعاملات فرهنگی و تلاش برای ارسال کمک‌های بشردوستانه در زمان بحران می‌شود (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

بنابراین مقامات محلی بازیگران مهمی در سیاست جهانی محسوب می‌شوند و با مراجعه به

مقامات محلی، مقامات و مدیران در سطح کلان، وزارتخانه‌ها، دادگاه‌ها و همه واحدهای فرعی که از طریق آن مدیریت عمومی به صورت محلی اعمال می‌شود، می‌توان به طور فزاینده‌ای درگیر اشکال نوآورانه انجام امور بین‌المللی شد و سیاست‌های جهانی را تحت الشعاع قرارداد زمانی که «شبکه‌های شهری» به وجود می‌آید ما شکل‌ها و تأثیرات عمده این فعالیت‌ها را در خواهرخواندگی‌ها با ترسیم تابلوهایی با چشم‌انداز وسیع دیپلماسی شهری و مقایسه بین‌المللی، فرصت‌ها و چالش‌های شهری را شاهد خواهیم بود (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

خواهرخواندگی یک کاتالیزور قوی اقتصادی است که در تغییر سطح فرهنگی، ورزشی، همچنین در زمینه تحکیم مناسبات اقتصادی بین کشورهای مربوطه نقش بسزایی دارد. همچنین در نیل به اهداف (توسعه پایدار) بشردوستانه بستر بسیاری از تعاملات بین‌المللی را فراهم می‌کند و در رساندن پیغام صلح به گوش جهانیان فعال است. شهرها در حال حاضر، به خاطر امکانات گسترده، عملکرد هدایتی و فرآیند «جهانی‌شدن» را انعکاس می‌دهند و در تسریع آن نقش دارند و از این حیث، اقدام به ایجاد یک رابطه غیرمتمرکز از طریق انعقاد قراردادی موسوم به خواهرخواندگی می‌کنند.

پیمان خواهرخواندگی ظرفیت لازم را برای مشارکت شهرها فراهم می‌کند که این امر باعث توسعه پایدار شهرهای درگیر می‌شود. از جمله فعالیت‌هایی که شهرهای دوست و خواهرخوانده در آن‌ها مشارکت دارند، می‌توان به تبادل دانش و اطلاعات و تجارب، گسترش سرمایه‌گذاری و صنعت گردشگری در شهرها، اجرای پروژه‌های مشترک در امر توسعه شهری و ارتقای سطح زندگی و همکاری در زمینه افزایش تفاهم، انسجام و گسترش توانایی‌های فنی و مدیریتی در کلان‌شهرها اشاره کرد (قاسمی، ۱۳۹۵: ۶).

خواهرخواندگی را می‌توان حرکت در مسیر دو رخداد مهم جهانی، شهری شدن جهان و ظهور شهرهای جهانی و تکیه بر مشارکت آگاهانه شهروندان و به ویژه تشکل‌های غیردولتی و داوطلب، حرکت در مسیر تحقق سیاست تمرکززدایی و مدیریت واحد شهری، آموزش مستمر و به هنگام بودن پیکر مدیریت شهری به دانش و درک جدید و به‌کارگیری دستاوردهای نوین جهان، ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران داخلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاران خارجی در راستای رشد و شکوفایی شهر، ایجاد فرصت‌های گردشگری و تعاملات فرهنگی در راستای معرفی همه‌جانبه شهر در عرصه بین‌المللی دانست. نکته قابل تأمل در این مقاله ارتباط افراد و یا به عبارت

دیگر شهروندان خواهرخوانده با یکدیگر است. از این حیث نگاه به موضوع دیپلماسی شهری توجه ما را به سایر دیپلماسی‌های موازی مانند دیپلماسی عمومی جلب می‌کند. زیرا دیپلماسی عمومی ارتباط با افراد و تأثیر افکار عمومی بر سیاست خارجی را تبیین می‌کند و بر این اساس می‌توان گفت دیپلماسی شهری یک مفهوم چندوجهی به شمار می‌آید.

ت- تعریف ماهیت دیپلماسی عمومی^۱

دیپلماسی در جهان امروز به شکل رسمی و غیررسمی متداول یافته است می‌توان گفت دیپلماسی در مفهوم سنتی آن به عنوان جوهر، هدف و نگرش‌های روابط یک دولت با دیگر دولت‌ها به قصد بر آن‌ها قلمداد می‌شود. به این دیپلماسی، دیپلماسی رسمی گفته می‌شود. یعنی دیپلماسی فقط در میان مقامات رسمی جریان دارد و هدف آن تأثیرگذاری یک دولت بر دولت دیگر و یا در نهایت تأثیرگذاری متقابل است (دیپلماسی دولت - دولت). گونه دیگر، دیپلماسی عمومی است که هدف آن تأثیرگذاری دولت‌ها بر مردم کشور هدف است (دیپلماسی دولت - مردم). از آنجا که در این‌گونه دیپلماسی از عنصر فرهنگ در سطح بالایی استفاده می‌شود، به دیپلماسی فرهنگی هم معروف است. به عبارت دیگر دیپلماسی فرهنگی زیرمجموعه یا بخشی از دیپلماسی عمومی است که با به‌کارگیری فرهنگ به عنوان مبنای قدرت نرم سعی دارد از بستر فرهنگ به تعامل با دیگران پردازد (شفیعی، ۱۳۹۵: ۱۶۷).

دیپلماسی عمومی برای نخستین بار در آمریکا در سال ۱۹۶۵ توسط «ادموندگولین» رئیس مدرسه حقوق و دیپلماسی فلچر در دانشگاه «تافتس» همراه با تأسیس مرکز «ادوارد آر. مورو»^۲ برای دیپلماسی عمومی به کار گرفته شد. این مرکز در یکی از اولین بروشورهای خود، دیپلماسی عمومی را تأثیرگذاری بر نگرش‌های عمومی برای شکل‌دهی و اجرای سیاست‌های خارجی و شامل ابعادی از روابط بین‌المللی می‌داند که فراتر از دیپلماسی سنتی است (Cull, 2009: 19). طبق این استنادات، نخستین کاربرد دیپلماسی عمومی در واقع در آمریکا نبود و بر اساس مقاله «نیکولاس جی. کول»^۳ کاربرد این عبارت در متن روزنامه‌های «نیویورک تایمز»، «واشنگتن پست» و «کریستینس ساینس مانیتر» بوده است.

1 . Public Diplomacy
2 . Edward R. Moreau
3 . Nicholas J. Cole

ملیسن معتقد است: دیپلماسی عمومی یک راهبرد ارتباطی ویژه و هدفمند است برای ساخت یک تصویر مثبت از یک کشور که نزد افکار عمومی خارجی است. مفهوم دیپلماسی عمومی، به شدت متوجه افکار عمومی و حتی متمرکز بر آن است. امروز توجه لزوم تأثیرگذاری بر افکار عمومی دیگر کشورها، از راه به کار گرفتن ابزارهای مختلف ارتباطی و رسانه‌ای میسر است (Melissen, 2005: 18). در واقع دیپلماسی عمومی یا مردمی در واقع جریانی است که حکومت‌ها از طریق آن، حکومت کشور دیگر را دور می‌زنند و فرآیندهای سیاسی کلی و جامعه مدنی آن کشور را هدف قرار می‌دهند. این اقدام بر پایه این فرض است که افکار عمومی دارای اهمیت است (هیل، ۱۳۸۷: ۳۷۶). برخی دیگر دیپلماسی عمومی را برنامه‌های دولت-محوری می‌دانند که هدفش اطلاع‌رسانی یا تأثیرگذاری بر افکار عمومی کشورها است و در این باره ابزارهای اصلی آن عبارت‌اند از: انتشارات، تصاویر متحرک، مبادلات فرهنگی و رادیو و تلویزیون (سیمبر و قربانی، ۱۳۸۸: ۴۸).

ث- کارکرد اجرایی دیپلماسی عمومی

به‌طورکلی دیپلماسی عمومی دو دستاورد مهم دارد: الف تأمین منافع دولت‌ها در صحنه بین‌المللی ب؛ تحقق جهانی امن برای دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی بنابراین دولت‌ها در تلاش هستند با تحت تأثیر قرار دادن شهروندان یک کشور و تغییر نگرش آن‌ها بر رفتار آن دولت تأثیر بگذارند (رزمجو، خسروی، ۱۳۹۲: ۳۵). در مجموع دیپلماسی عمومی توان خود را به کار می‌برد برای ایجاد جذابیت و تحت تأثیر قرار دادن مردم به طوری که بتواند وجهه بین‌المللی خود را افزایش دهد. یکی از ویژگی‌های دیپلماسی عمومی نحوه عملکرد و کارکرد آن است لذا می‌توان سه بعد را برای آن شناسایی کرد الف: رابطه سازی؛ یکی از مهم‌ترین کارکردهای دیپلماسی عمومی ارتباط بلندمدت با مردم جوامع خارجی به منظور شناساندن یک کشور به آن‌ها و ایجاد فهم از جامعه، مردم و ارزش‌های آن کشور در ذهن مخاطبان خارجی از طریق فراهم کردن زمینه درک متقابل است. این رابطه سازی همان‌طور که بیان شد از طریق تعاملات بلندمدت با شخصیت‌های کلیدی یک جامعه، اعطای بورس، برگزاری سمینار، آموزش، کنفرانس‌ها و ایجاد شبکه‌های حقیقی است. می‌توان گفت کارکرد اساسی دیپلماسی عمومی روابط بلندمدت با مردمان کشورهای خارجی به منظور ایجاد شرایط درک متقابل و شناسایی ارزش‌ها و منافع مشترک است تا بستر لازم برای پذیرش سیاست‌ها و کنش‌های کشور عامل از سوی کشور هدف مشخص شود.

ب: مدیریت تصویر؛ مرحله دوم دیپلماسی عمومی تلاش دارد به مدیریت تصویر پردازد اینکه کشوری در محیط بیرون از قلمروش چه وجهه و چه جایگاهی دارد و چه تصویری از آن در اذهان دیگر مردمان جوامع نقش می‌بندد برای دولتمردان بسیار اهمیت دارد. بازنمایی و ترویج تصویر مثبت از یک کشور موجب ارتقاء وجهه و خوش‌نامی آن در جامعه جهانی می‌گردد. در این زمینه دیپلماسی عمومی از ظرفیت‌های دیپلماسی رسانه‌ای مدد می‌جوید زیرا رسانه ابزاری است که ادراک‌ها به واسطه آن مدیریت می‌شود. چنانچه تعاملات بلندمدت با مردم و مدیریت تصویر به خوبی انجام شود در نتیجه دیپلماسی عمومی گام سوم که افزایش اعتبار است را برمی‌دارد.

ج: افزایش اعتبار؛ دیپلماسی عمومی موجب افزایش اعتبار دولت‌ها در میان جوامع خارجی است که موجب ارتقاء ظرفیت اقدام مشروع آن‌ها در سایر کشورها می‌شود؛ یعنی هر چه رتبه اعتباری یک دولت در فراسوی مرزهای آن بالاتر باشد با سهولت بیشتری قادر به پیشبرد سیاست‌ها و اهداف خویش خواهد بود. البته باید توجه داشت که اعتبار ویژگی پویایی دارد و همیشه پایدار نیست بلکه تحت شرایطی به دست می‌آید و تحت شرایطی نیز از دست می‌رود (هادیان، سعیدی، ۱۳۹۲: ۴۴-۴۵).

با تشریح عملکرد دیپلماسی عمومی به جایگاه مهم شهروندان و به عبارت دیگر افراد در سیاست خارجی اشاره شد از این‌رو دیپلماسی عمومی نقش مهمی در ایجاد تصویری جذاب از کشور و دسترسی به نتایج مطلوب را فراهم می‌کند. براین اساس فعالیت رسانه‌ها و برنامه‌های تبلیغات فرهنگی، بخش عمده‌ای از عملکرد سیاست خارجی بر مبنای دیپلماسی عمومی است که از طریق آن زمینه اعتمادسازی و تفاهم را ایجاد می‌کند. از طرفی دیپلماسی شهری نیز از طریق بسط تعامل میان شهروندان و شهرهای خواهرخوانده برای دستیابی به نتایج مطلوب و جذب گردشگران و تعاملات فرهنگی تلاش می‌کند با ایجاد اعتماد و برقراری روابط با مردم سایر کشورها تعامل داشته باشد. از این منظر، تبیین هم‌افزایی بین دو مفهوم دیپلماسی عمومی و دیپلماسی شهری در این مسئله نهفته است که هر دو در تلاش هستند حوزه‌ی عمل خود را در زمینه‌های فرهنگ، سیاست، اقتصاد، هنر، تبادلات دانشگاهی و یا هر زمینه‌ای که بتواند درک و فهم مشترکی را نسبت به کشور در اذهان مردم و شهروندان ایجاد نمایند، بسط و گسترش دهند.

ج- ضرورت هم‌افزایی دیپلماسی شهری و دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی

۱- چارچوب مفهومی سیاست خارجی

سیاست خارجی یک سلسله اقداماتی طراحی شده است که توسط سیاست‌گذاران یک کشور در مقابل سایر کشورها و یا موجودیت‌های بین‌المللی جهت کسب اهداف خاص تعریف شده و برحسب منافع ملی مشخص شده است (یعقوبی، ۱۳۸۷: ۱۹). در واقع به صورت مجموعه تصمیم‌ها، کنش‌ها و اقدامات ارادی و هدفمند دولت‌ها نسبت به بازیگران یا موقعیت‌های خارج از حاکمیت آن‌ها تعریف می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۳۵). سیاست خارجی تلاش می‌کند برای بهینه‌سازی عمل در نظام بین‌الملل به منظور دستیابی به اهداف منافع ملی اقداماتی را انجام دهد (موسوی، ۱۳۸۷: ۸۰). می‌توان گفت: سیاست خارجی مجموعه‌ای از اقداماتی که یک دولت در ورای مرزهای خویش به منظور پیشبرد اهداف در رابطه با بازیگران حکومتی و غیر حکومتی به عمل می‌آورد (قوام، ۱۳۹۰: ص ۲۴۳). سیاست خارجی هر کشور برون‌داد تعامل دیالکتیک عوامل مادی محیطی و زمینه‌های فرهنگی، هویتی و تاریخی آن است. در این میان، فرهنگ ملی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در ساخت هویت ملی، انگاره‌های ذهنی نخبگان، نقش و منافع ملی و جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های سیاست خارجی است. این مسئله به واسطه جدانشدنی سیاست خارجی در حلقه‌های به هم پیوسته اجتماعی و تأثیر عناصر فرهنگی هویتی در شکل‌گیری و تحول سیاست خارجی به وجود آمده است (موسوی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

دیپلماسی مهم‌ترین راه و ابزار نیل به این اهداف و منافع محسوب می‌شود. دولت‌ها می‌توانند از طریق دیپلماسی به انجام مذاکرات، تبادل نمایندگی‌ها، توسعه‌ی همکاری‌ها، دیدارها و گفتگوها، به اهداف و منافع خود دست یابند (رحمانی، ۱۳۹۴: ۶۶). بر این اساس موفقیت یک سیاست خارجی به ویژه از طریق کاربرد دیپلماسی مناسب، زمانی اتفاق می‌افتد که این سیاست و دیپلماسی مربوط به آن، ضمن درک شرایط زمانی و مکانی مبتنی بر ارزیابی دقیق واقعیات جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای و البته داخل کشور و در ارتباط با دیگر بازیگران نظام جهانی، متناسب با نیازهای درازمدت و کوتاه‌مدت و حتی الامکان عاری از تعارضات گوناگون باشد. همچنین موفقیت سیاست خارجی مشروط به آن است که به‌وسیله نیروها و عوامل داخلی حمایت شود و از جانب نهادهای بین‌المللی نیز قابل قبول و تعاملی فرض گردد (پوراحمدی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

در واقع اجرای سیاست خارجی دو مرحله مرتبط به هم را شامل می‌شود: مرحله اول مرحله سیاست‌گذاری است که در آن گزینه‌های سیاسی، موضع‌گیری‌ها و تاکتیک‌ها در چارچوب محیط داخلی طرف‌های ذی‌ربط مورد بحث و بررسی قرار گرفته و درباره آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. مرحله دیگر یعنی تعامل و دیپلماسی، اجرای سیاست‌ها در قبال بازیگران دیگر، معرفی مواضع و تقاضاهای تعیین‌شده در مرحله قبلی و جستجوی راه‌حلی از طریق مبادله، مذاکره و یا ترکیبی از هر دو را ایجاب می‌کند (نوابخش، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

۲- هم‌افزایی^۱ دیپلماسی شهری و دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی

در هر بحثی که مربوط به دیپلماسی است باید میان دو مفهوم سیاست خارجی (محتوی) و راه‌های رسیدن به تهیه (شیوه تهیه محتوی) تفاوت قائل شد. برای رسیدن به دیپلماسی روش‌های بسیاری در عصر فناوری اطلاعات و گسترش تکنولوژی وجود دارد. بنابراین اشکال مختلف دیپلماسی از جمله دیپلماسی شهری به بسیج منابع شهری برای کسب منافع حداکثری سیاست خارجی می‌پردازد. به رسمیت شناختن آن توسط سازمان ملل متحد منجر به تأسیس مؤسسه جهانی دیپلماسی شهری شد که این امر صلح پایدار و توسعه همکاری اجتماعی و اقتصادی را به همراه دارد (Van der Pluijm, 2007, 13). بر این اساس دستگاه سیاست خارجی هر کشور، به دنبال کسب منافع حداکثری، کسب پرستیژ، حیثیت، اعتبار و آبرو در صحنه بین‌المللی است که خود، موجب افزایش و توان قدرت نرم یک کشور می‌گردد. به این معنا که جایگاه و موقعیت یک کشور در نظام جهانی در پیشبرد اهداف و منافع ملی آن کشور مؤثر است. در این راستا مدیریت افکار عمومی، یکی دیگر از وظایف سیاست خارجی در چارچوب قدرت نرم است. دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی قدرت نرم، بخشی است که می‌تواند با اتخاذ روش‌های نرم و به دور از خشونت، افکار عمومی جهان را مدیریت نماید (ملیسن، ۱۳۸۹: ۴۱). از این رو موقعیت و مشروعیت بین‌المللی یک کشور در اتخاذ سیاست خارجی آن کشور تأثیر بسزایی دارد (خراسانی، ۱۳۹۰: ۲۳).

از طرفی جهانی‌شدن و در پرتو آن، توسعه و پیشرفت سریع در فناوری ارتباطات و اطلاعات، گسترش استفاده از وسایل ارتباطی سریع و در پی آن دسترسی آسان به اطلاعات، شرایط بین‌المللی را دگرگون ساخته، این دگرگونی ساختاری و ماهوی در نظام بین‌الملل دیپلماسی عمومی را تبدیل به

1 . Synergistic

ابزاری نموده است که دولت‌ها با توسل به آن بهتر می‌توانند به اهداف ملی خود در رابطه با دیگر کشورها و در صحنه بین‌الملل دست یابند. جهت‌دهی افکار عمومی، نقش رسانه‌های تصویری، شنیداری و نوشتاری با برد بین‌المللی، تأثیر مهاجرت‌ها، بین‌المللی شدن افکار و اندیشه‌ها، گسترش نقش نهادها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، تبادل فرهنگ‌ها، جابجایی و ارتباط آسان نخبگان، درگیر شدن جامعه مدنی در امور سیاسی - بین‌المللی، جهانی شدن فرهنگ‌ها، از جمله زمینه‌ها و حوزه‌هایی هستند که دیپلماسی عمومی می‌تواند با اتکا به آن و انسجام بخشیدن به سیاست‌های دولت‌ها بر افکار و اذهان مردم سایر کشورها اثر گذارد (سازمند، براتی، ۱۳۹۳: ۶۳).

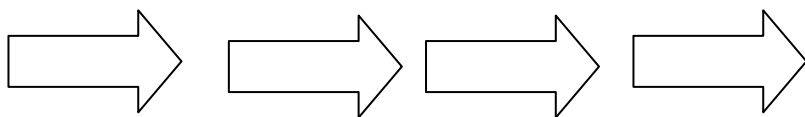
با جهانی شدن و رشد وابستگی متقابل دولت‌ها، ما شاهد اختلاط فعالیت‌های دیپلماتیک هستیم و بسیاری از کارکردهای دیپلماتیک مکمل یکدیگر هستند بنابراین می‌توان گفت در حال حاضر قدرت دولت برای نظارت و مدیریت زیرساخت‌های اقتصادی و فعالیت بین‌المللی، به میزان قابل توجهی تضعیف شده است و ساختارهای رسمی دولت به تنهایی نمی‌تواند به دستگاه دیپلماسی کمک کند (Wang, 2006: 32).

همچنین پدیده شهروندی تحت تأثیر جهانی شدن، به طور فزاینده‌ای باعث گردید تا شهرها، از طریق نیازهای پیچیده شهروندان به منظور ارتقاء وضعیت فردی شهروندان با سایر شهرها همکاری کنند. از آنجا که شهرهای مهم یک کشور در سطح شهرهای جهانی معرفی می‌شوند، پتانسیل ایجاد شبکه‌های شهری را دارند. این شبکه‌های شهری یا به عبارتی شهرهای خواهرخوانده، در روند شکل‌دهی نیاز شهروندان و شهرها مؤثرتر واقع می‌شوند. طبق تعریف رنه، حضور یک شهر در یک شبکه می‌تواند پایه و اساس وضعیت جهانی آن شهر باشد (Godarzi, 2016: 478).

بنابراین سیاست جهان به گونه‌ای است که دیگر دولت‌ها تنها بازیگران جهانی نیستند و حکمرانی خوب ترکیبی از همکاری این نیروها خواهد بود. بازیگران غیردولتی به طور فزاینده‌ای نقش مهمی در سیاست‌های جهان به دست آورده‌اند. آن‌ها با ترکیب جامعه مدنی و کنترل افکار عمومی می‌توانند اعمال قدرت کنند (Marchetti, 2017: 8). در چنین وضعیتی واحدهای محلی مانند؛ سازمان غیردولتی مردم‌نهاد، سازمان‌های شهری، شهرداری، شوراها و شهر و غیره از جمله کنشگرانی هستند که به عنوان نماینده مستقیم افکار عمومی و اراده مردم می‌توانند در بالاترین مقام اجتماعی آن شهر، در بسیاری از حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و هنری و حتی سیاسی با دیگر کشورها وارد مذاکرات همه‌جانبه شوند.

این روابط بدون شک در مراودات دولت‌ها و ملت‌ها تأثیرگذار است (Pluijm, 7002: 6). بنابراین ضرورت هم‌افزایی دیپلماسی شهری و دیپلماسی عمومی فعال از این حیث مورد اهمیت است؛ که نقش‌آفرینی مؤثر در این حوزه بر ارتقاء قدرت ملی و پیشبرد سیاست خارجی کشورها و ملت‌ها تأثیر خواهد گذاشت و آن‌هم به نوبه خود منجر به افزایش قدرت چانه‌زنی در جامعه بین‌الملل خواهد شد و به تبع آن ارتقاء منزلت و اعتبار بین‌المللی و جایگاه کشور در نظام سلسله‌مراتب ژئوپلیتیکی جهانی را سبب خواهد شد. در هم‌افزایی این دو شکل از دیپلماسی در واقع این حرکت موازی، به اثرگذاری حاکمیت بر فرآیندها، تصمیم‌گیری‌ها و رفتارها در سطوح منطقه‌ای و جهانی ختم می‌شود که این موضوع به صورت تسلسل وار به افزایش منافع ملی منجر می‌شود. وقتی رابطه سازی، مدیریت تصویر، اعتباربخشی و توجیه افکار عمومی در یک حرکت موازی با جذب گردشگری، اکوتوریسم، افزایش انعقاد تفاهم‌نامه‌های خواهرخواندگی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، اشاعه فرهنگ و ارزش‌های ژئوپلیتیک کشور قرار گیرد در نتیجه توجه به دیپلماسی شهری نه تنها امری لازم، بلکه از مقوله‌های ضروری و اجتناب‌ناپذیر در مدیریت شهری کشور و به ویژه کلان‌شهرها خواهد بود به طور اساسی اگر کارکرد دیپلماسی عمومی به خوبی اجرا شود می‌توان انتظار داشت به قدرت موازی و تکمیل‌کننده دیپلماسی شهری برای کسب حداکثر وزن دیپلماتیک جهت رسیدن به منافع ملی تبدیل خواهد شد.

رابطه سازی، مدیریت تصویر اعتباربخشی توجیه افکار عمومی



اکوتوریسم، خواهرخواندگی، تبلیغات و اطلاع‌رسانی، اشاعه فرهنگ

۳- ضرورت هم‌افزایی تعاملات فرهنگی

با حضور شهروندان در عرصه‌های فراتر و فروتر از عرصه‌های ملی شاهد گسترش بیش از پیش از پیش تقابل‌ها، تعامل‌ها و تعارض‌های فرهنگی هستیم. در این وضعیت غالباً مناطق دور و نزدیک جهان به هم مربوط و پیوسته‌اند و این ارتباط و پیوستگی‌ها، آگاهی‌ها و هویت‌های نو را شکل می‌دهد و بنیاد زندگی اجتماعی بشر را در عرصه‌های مختلف دگرگون می‌سازد؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به

عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تکامل آن‌ها به ترتیب در ساختارهای جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن سیاست و جهانی شدن فرهنگ اشاره کرد. در فاصله میان این تحولات است که شاهد تغییر قواعد بازی در نظام بین‌الملل، ظهور بازیگران جدید، تغییر اولویت‌ها در منافع ملی کشورها، افزایش پیوندها و وابستگی‌های فراملی هستیم (گودرزی، ۱۳۹۶: ۶۳).

بسیاری از شهرها را می‌توان به عنوان یک پدیده فرهنگی مورد توجه قرارداد و مقبولیت جوامع شهری به عنوان مقاصد گردشگری هم از همین قابلیت فرهنگ‌سازی و تمدن‌سازی آن‌ها ناشی می‌شود (رهنما، ۱۳۹۰: ۶). در این راستا از تعاملات فرهنگی نباید مغفول بماند زیرا تعاملات فرهنگی فرایندی است که از طریق آن دولت‌ها می‌توانند با توسل به ظرفیت‌ها، امکانات، توانمندی‌ها و ویژگی‌های فرهنگی خود بر افکار عمومی و رفتار سایر کشورها اثر بگذارند. در واقع، دولت‌ها با ابزار فرهنگی و به معرض گذاشتن نمادهای فرهنگی، جذابیت‌هایی را در افکار عمومی مردم سایر کشورها ایجاد می‌کند تا از طریق نفوذ ناشی از آن، بر رفتار و سیاست‌های دولت بیگانه اثر گذارد (رحمانی، ۱۳۹۴: ۷۰). یکی از تعاملات و وجه مشترک میان دیپلماسی‌های موازی، چه در دیپلماسی عمومی و چه در دیپلماسی شهری؛ تماس فرهنگی، انتقال اطلاعات، تبادل ارزش‌ها و هنجارهای شهری و در نهایت جذب مخاطبین است که این امر در عصر گسترش تکنولوژی و فناوری باعث تعاملات فرهنگی گسترده‌ای می‌شود.

از بررسی پیمان‌های همکاری میان شهرها چنین برمی‌آید که امروزه جدا از پروژه‌های خواهرخواندگی شهرها، فرهنگ نقش مهمی در دیپلماسی شهری ایفا می‌کند و فراهم ساختن امکان برقراری ارتباط متقابل جوانان با فرهنگ‌های متفاوت از طریق برنامه‌های فرهنگی و ورزشی، سامان‌دهی بازدیدهای فرهنگی‌ها مقامات شهری از شهری دیگر و ارائه رهنمودهایی در جهت ارتقاء توسعه فرهنگی تنها نمونه‌هایی از فعالیت در بعد فرهنگی دیپلماسی شهری هستند (Pluijm, 2007: 18).

فعالیت‌های دیپلماتیک در حوزه تبادل ارزش‌هایی چون آزادی بیان، دین و برابری جنسیتی بخشی از ابعاد گسترده‌تر روابط فرهنگی است. امروزه ارزش‌های جهانی و جهان‌شمول وجه مشترک جامعه بین‌المللی است و همین ارزش‌ها است که برای همگان در جامعه دارای ارزش و اعتبار هستند. ارزش‌هایی که برگرفته از باورهای جهانی و جهان‌شمول که دولت‌ها، افراد، سازمان‌های

حکومتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و شرکت‌های فراملی نسبت به آن اجماع دارند (ذاکریان، ۱۳۹۵: ۱۹). اگرچه دیپلماسی فرهنگی بخش مهمی از فعالیت‌های دیپلماتیک شهرها را تشکیل می‌دهد اما برخی از پژوهشگران اظهار می‌دارند که از ظرفیت کامل این مورد استفاده نمی‌شود. فرصت‌های مشارکت در جامعه‌پذیری و رشد اجتماعی افراد و ثبات اقتصادی و سیاسی جوامع مهم هستند و جوانان نقشی کلیدی در سازمان‌دهی شرایط زندگی بهتر در جوامع شهری ایفا می‌کنند (زرقانی، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

می‌توان گفت تفاوت‌های فرهنگی از شهر تا شهر و از یک طبقه اجتماعی تا یک طبقه اجتماعی دیگر، نمود پیدا می‌کند که تأثیر آشکاری در روند روزانه زندگی، جنب و جوش، آرامش خیابان‌ها و امنیت یا خشونت در مکان عمومی را دارد. در درازمدت، تفاوت‌های فرهنگی در نظم و ترتیب ریخت‌شناسی پدیدار می‌شود. مثلاً شهرهای اروپایی به شکل گروهی مطلوب‌ترین شهرهای جهان هستند. آن‌ها شهرهایی ثروتمند با مشکلات کمی از نظر فقر، جرم، جنایت و ویژگی‌های قومی نسبت به دیگر شهرهای جهان هستند. آن‌ها ترکیب جذابی از برنامه‌ریزی و طراحی دوران باستان و اوایل تاریخ مدرن را دارند (اچ، دیوید، کاپلان جیمز و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳۶).

بنابراین هویت شهر به معنای مجموعه ویژگی‌هایی است که در طول زمان حضوری مداوم در تعریف شهر داشته باشد و یک شهر علاوه بر پاسخگویی به تغییرات و نیازهای جدید در امتداد تاریخ خود قرار داشته باشد. این مفهوم هویت شهر مفهومی پویاست و لزوماً به تثبیت و تکرار اجزای خاص شهر منجر نمی‌شود. به این ترتیب ممکن است در شهری رنگ و مصالح خاص نما عامل تشخیص هویت باشد و در شهر دیگری فعالیت‌ها و آداب و رسوم خاص محلی آن برای تعاملات فرهنگی مدنظر قرار گیرد. بر این اساس مؤلفه‌های فرهنگی شهرها در چگونگی ساخت شهر، رویدادها، حافظه جمعی، منظر شهری و... نقشی دوگانه دارند؛ یعنی از یک سو در هویت‌سازی شهر مکان یا مقصد نقش آفرین هستند و از سوی دیگر ساختار اولیه شهر بر اساس آن‌ها بنیان نهاده شده و در فضای زندگی متبلور می‌شود (پرچکانی، ۱۳۹۵: ۴۲).

با توجه به مطالب فوق درمی‌یابیم که هر شهر هویت فرهنگی خاص خود را خواهد داشت که دیپلماسی عمومی می‌تواند با بهره‌گیری از ابزار رسانه و جذب مخاطب و تصویرسازی به گسترش تعاملات فرهنگی و برندسازی فرهنگی آن شهر بپردازد. شهرها، مناطق و مکان‌های گردشگری برای

جلب نظر گردشگران به طور روزافزون با هم رقابت می‌کند و اغلب شهرهای دنیا که جمعیتی بیش از یک میلیون نفر دارند، مایل‌اند جذاب‌ترین و مشهورترین باشند. شهرها از گذشته‌های دور در قالب‌های مختلف از یک تصویر کارت‌پستالی ساده گرفته تا صحنه‌هایی از فیلم‌های مختلف از خود در ذهن مخاطب، منظر ذهنی یا برند بصری ایجاد کرده‌اند و با این تصاویر توانسته‌اند در ذهن مخاطبان جای بگیرند. اینکه دیپلماسی عمومی در این مسیر موازی تا چه حد می‌تواند مکمل دیپلماسی شهری باشد بستگی به استفاده و کاربرد ابزارهای دیپلماسی شهری دارد. در این راستا ادغام سازمان‌های دولتی - ملی و تلفیق ارگان‌های غیررسمی، سازمان‌های خصوصی، انجمن‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، موجب افزایش ارتباطات فرامرزی میان مخاطبین سایر دولت‌ها می‌شود (رهنمایی، ۱۳۹۰: ۶).

۴- ضرورت تعاملات اقتصادی

دیپلمات‌های شهری از دو طریق، اول از طریق جذب توریست، شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی، سازمان‌های بین‌المللی و بسترسازی برای رخدادهای بین‌المللی و دوم از طریق صدور خدمات و دانش می‌توانند سود اقتصادی فعالیت‌های شهری را تضمین کرده و به مشارکت با سایر شهرها بپردازند (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۶). دیپلماسی در عرصه شهری‌اش یکی از مهم‌ترین ابزارهای توسعه و گسترش گردشگری محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر بازاریابی گردشگری در واقع در جهان پیش روی این روزها برقراری ارتباط و تبلیغ به منظور عرضه محصول همچون فتح بازارهای بین‌المللی است. دیپلماسی شهری با ایفای نقش ارتباطی، حال چه در موضوع گردشگری یا هر موضوع دیگری در شهر نقش اساسی در جذب درآمدهای پایدار برای شهرداری‌ها را ایفا می‌کند. گردشگری صرفاً یک پدیده تک‌بعدی نیست بلکه در ابعاد بسیاری همچون اقتصاد، محیط اجتماعی و فرهنگی قابل تأمل است. گردشگری آغاز توسعه پایدار در کشورها محسوب می‌شود و دیپلماسی شهری موجب هم‌افزایی اقتصادی خواهد شد (مهدوی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۱).

همچنین در شرایط فعلی جامعه جا به جایی کالا، خدمات، مردم، اندیشه‌ها، سیاست‌ها و... به واسطه و در فرآیند جهانی شدن رخ داده است و با توجه به اینکه جهانی شدن بر شهرها در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی تأثیر می‌گذارد، شهرها نیز بر جهانی‌سازی و عناصر آن تأثیر می‌گذارند. جهانی‌سازی با فراهم کردن زمینه‌های اساسی برای ایفای نقش گسترده بازیگران جدید در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، تبدیل شهرهای ملی به شهرهای جهانی یا درنهایت شهرهای جهانی را ممکن

می‌سازد (Godarzi, 2016: 478). می‌توان گفت بازیگران اصلی در این فرایند، سازمان‌های مردم‌نهاد یا غیرانتفاعی‌ها و شهرداران هستند. به عبارتی دیگر در میان این بازیگران مؤثر در دیپلماسی شهری، چهار نوع تیپ به هم مرتبط وجود دارند.

- شرکت‌های فراملی سودآور
- سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی جامعه‌ای که تمایل به اهداف عمومی دارند، مقامات محلی هر دو منطقه (شهر مبدأ و مقصد) سازمان‌های خصوصی یا ترکیبی که بخش‌های خاص را از طریق مدیریت می‌کنند (Marchetti, 2017: 3).

شهرهای بسیاری در جوامع پیشرفته، سازمان‌های اقتصادی خاصی را برای جذب انواع سرمایه در شهر اختصاص می‌دهند. جهان شهرهایی مثل توکیو، نیویورک و لندن با تبدیل شدن به مرکز فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از اعتبار خاصی برخوردارند. این اعتبار موجب شده است که سود اقتصادی هر یک از این سه شهر با سود کشورهای با اقتصاد متوسط مثل کانادا، سوئد و اسپانیا یکسان باشد. نظریه برند شهری بعد قابل توجه این بازی دیپلماتیک است. برند شهری به معنای به‌کارگیری مدل‌های بازاریابی تجاری در شهرها و تبدیل نمودن یک شهر به یک برند تجاری است که موجب راه‌اندازی انجمن‌های مختلف اقتصادی می‌گردد. بنابراین عجیب نیست که این جهان شهرها، از سازمان‌های بزرگی برای جذب سرمایه بیشتر و پایه‌گذاری مراکز اصلی مشارکت‌های چندملیتی استفاده می‌کنند. صرف ده درصد از منابع عمومی برای توسعه دیپلماسی شهری و مشارکت شهرها با یکدیگر موجب جابه‌جایی گسترده‌تر منابع در سطح محلی می‌گردد که مانند کاتالیزوری برای سرمایه‌گذاری‌های جدید عمل می‌کند و تأثیرات آن را چند برابر می‌سازد. از آنجاکه مسائل اقتصادی از مهم‌ترین ابعاد توسعه محسوب می‌شوند دیپلماسی شهری از این طریق به رشد اقتصادی شهرها و بالا رفتن رتبه آن‌ها در میان شهرهای دیگر تأثیر بسزایی دارد (زرقانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

از این بازیگران در فرایند توسعه شهری مهم هستند و در بعد اقتصادی از طریق افزایش جریان کالا و خدمات، سرمایه و حتی نیروی کار برای دستیابی به توسعه ضروری به شمار می‌آیند. مناطق شهری بزرگ نقطه‌ی اتصال سرزمین به جریان مبادلات جهانی هستند. پیوند و توازن دیپلماسی عمومی در بعد اقتصادی از طریق ارتباط با افراد کلیدی، سرمایه‌گذاران برجسته و افراد توانمند در شاخص اقتصادی محکم‌تر خواهد شد. در این وضعیت با انتقال اطلاعات و دانش به روز اقتصادی، دیپلماسی

شهری می‌تواند سود حداکثری اقتصاد خود را تضمین و با گسترش شبکه‌های اقتصاد شهری و سرمایه‌گذاری‌های کوچک و بزرگ، تفاهم‌نامه‌های اقتصادی هم‌افزایی کارساز خواهد بود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد نویسندگان این مقاله در تلاش بودند که دو مفهوم دیپلماسی عمومی و دیپلماسی شهری را تبیین و هر یک از ابزارهای کارآمد آن را در جهت پیشبرد سیاست خارجی تحلیل کنند. نکته قابل توجه در این دو شکل از دیپلماسی به عنوان پیوند مشترک و مکمل در اجرای سیاست خارجی این است که هر دو شکل دیپلماسی در واقع یک مفهوم چندوجهی مشترک دارند که در تعریف دقیق دو مفهوم مورد نظر اجماع نظری وجود ندارد ولی وجه مشترک همه تعاریف این است که هر دو از ابزارهای گوناگونی برای رسیدن به محتوی سیاست خارجی بهره می‌گیرند. به عبارت دیگر دیپلماسی‌های نوین مردم- دولت در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، علمی، هنری، اجتماعی وارد شده‌اند و مردم و شهرها به نقش بی‌بدیل در افزایش قدرت ملی و وزن ژئوپلیتیکی تبدیل شده‌اند؛ بنابراین با توجه به تحولات نظام بین‌الملل، جهانی‌شدن و ظهور بازیگران غیردولتی و سازمان‌های غیردولتی برای کسب منافع ملی باید به شناخت ابعاد، ابزار و محدودیت‌های آن‌ها پرداخت و بستر تعامل با سازمان‌های مردم‌نهاد، مراکز غیرانتفاعی، نهادهای فرهنگی، هنری، علمی، اقتصادی، گردشگری، جهانگردی، رسانه‌ها، ارتباطات الکترونیک و وزارتخانه‌ها میان شهروندان و مخاطبان خارجی را فراهم کرد. بدیهی است این امر باید در شرایطی فراهم شود که جامعه بین‌الملل در رسیدن به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بسترهای لازم را داشته باشد.

منابع فارسی

- اچ کاپلان، دیوید، ویلر و استیون آر، هالووی (۱۳۹۶)، *جغرافیای شهری*، ترجمه حسین حاتمی نژاد عبدالمطلب برات نیا، انتشارات سمت، تهران.
- احمدی پور، زهرا، مرتضی قورچی، مصطفی قادری حاجب (۱۳۹۱)، «تبیین جایگاه توسعه شهری در توسعه حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی»، *مجله جغرافیای و توسعه شهری*، شماره اول.
- امیری، هاشم (۱۳۹۶)، *ژئوپلیتیک، دیپلماسی و رفتار قدرت‌ها*، انتشارات کانی مهر، تهران.

- پرچگانی، پروانه، (۱۳۹۵) تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر معماری برند شهری با رویکرد گردشگری، مطالعه موردی لیون فرانسه، فصلنامه هنر و تمدن شرق، سال چهارم، شماره دوازدهم.
- جمالی نژاد، مهدی (۱۳۹۲)، دیپلماسی شهری، اصفهان، آرما.
- دهشیری، محمدرضا (1392) پارادیپلماسی در عصر جهانی‌شدن: بررسی موردی دیپلماسی شهری، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، شماره ۱۳
- دهشیری، محمدرضا، مصطفی خرمی (۱۳۹۷)، «تجزیه و تحلیل جایگاه دیپلماسی شهری در سیاست خارجی جمهوری»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سی و دوم، شماره ۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، «نظریه اصلاحی سیاست خارجی، چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی»، فصلنامه روابط خارجی، شماره سوم، شماره یک،
- ذاکریان، مهدی (۱۳۹۵)، سیاست‌گذاری‌های حقوق بشر در خاورمیانه، انتشارات خرسندی، تهران.
- رحمانی، منصور (۱۳۹۴)، «دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال ششم شماره ۱۵.
- رزمجو، علی‌اکبر، افسانه خسروی (۱۳۹۲)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم دیپلماسی عمومی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۰۱-۲۰۱۲، انتشارات سفیر اندیشه مجموعه فرهنگ و رسانه ۱، تهران.
- رزمجو، علی‌اکبر، افسانه خسروی، علی عنایتی شبکلائی (۱۳۹۵)، درآمدی بر دیپلماسی رسانه‌ای ایران (مطالعه موردی دیپلماسی رسانه‌ای صدا سیما)، انجمن آثار مفاخر فرهنگی، تهران.
- رضایی زاده، محمدرضا (۱۳۹۱)، حقوق برنامه‌ریزی شهری، انتشارات مجد، تهران.
- رهنما، محمدرحیم (1388) ، موانع، مشکلات و راهکارهای جهانی‌شدن شهرهای ایران، فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دوره ۴ شماره ۸ دانشگاه فردوسی مشهد .

- زرقانی، سید هادی محمدجواد رنج‌کش، منصوره اسکندران (۱۳۹۳)، دیپلماسی شهری و نقش شهرها به عنوان بازیگران بین‌المللی، مرکز پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۲۰.
- سازمند، بهاره، مسعود براتی (۱۳۹۳)، دیپلماسی عمومی و سیاست خارجی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶ شماره ۱۸.
- سیمبر، رضا و ارسلان قربانی شیخ‌نشین (۱۳۸۸) «دیپلماسی نوین در روابط خارجی رویکردها و ابزارهای متغیر»، فصلنامه روابط خارجی، سال اول، شماره چهارم، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، شماره ۴۹.
- قاسمی، فاطمه، رکسانا عبدالهی (۱۳۹۵)، «بررسی مزیت پیوستگی خواهرخواندگی در شهرهای امروز، نمونه موردی: (فرایبورگ، اصفهان)؛ چهارمین همایش ملی الگوی معماری و شهرسازی اسلامی، تهران.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۹۰)، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، چ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- کامیار، غلامرضا (۱۳۹۷)، حقوق شهری و شهرسازی، انتشارات مجد، چ دهم، تهران.
- گودرزی، مهناز، الهام صباغ کلاته حسینی (۱۳۹۶)، «نسبت سنجی شهر و دیپلماسی در عصر جهانی‌شدن»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲۳.
- ملیسن، ژان (۱۳۸۹)، دیپلماسی عمومی نوین از تئوری تا عمل، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: دانشگاه امام صادق.
- موسوی شفائی، مسعود (۱۳۸۹)، دیپلماسی شهری؛ ابزاری برای توسعه ملی در عصر فضای جریانها، گروه پژوهشی: مدیریت مطالعات و برنامه ریزی امور مناطق فصلنامه دانش شهر
- مهدوی، داوود، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، حمدالله سجاسی قیداری (۱۳۹۶)، بنیان‌های نظری توسعه پایدارگردشگری، تهران: انتشارات سمت.

- نجاتی حسینی، سید محمود، (۱۳۹۰)، سیاست شهری و دیپلماسی شهری از نظریه تا تجربه، جامعه شناسی تاریخی، دوره سوم شماره ۲.
- نوابخش، مهرداد (۱۳۸۷)، دیپلماسی رسانه‌ای به مثابه ابزار سیاست خارجی، تهران: مرکز گروه پژوهش‌های فکری و اجتماعی. و توسعه ناحیه ای.
- هادیان، ناصر و روح‌الامین سعیدی (۱۳۹۲)، «از دیپلماسی عمومی سنتی تا دیپلماسی عمومی نوین رویکردی هابرماسی»، راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۶.
- هیل، کریستفر (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: مرکز پژوهش‌گده مطالعات راهبردی.
- یعقوبی، سعید (۱۳۸۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.

ب- منابع انگلیسی

- Acuto, Michele Mika Morissette, Dan Chan, Benjamin Leffel, (2016), *City Diplomacy' and Twinning: Lessons from the UK, China and Globally, Foresight*, Government Office for Science.
- Acuto, Michele, Mika Morissette, 2017, *City Diplomacy: Towards More Strategic, Networking?* Learning with WHO Healthy Cities, Global Policy Volume 8. Issu.
- Cull, Nicholas j. (2009) "Public Diplomacy before Callion; The Evolution of a phrase", in: Nancy Snow and Philip Mtaylor, *Hand book of public Diplomacy*, London: Rutledge.
- Goodarzi, Mahnaz, Mohammad Kaffash Nayyeri, (2016), *Globalization and City Diplomacy: The Formation of Global Citizen* (Possibility or Impossibility), International journal of humanites and cultural studes 2356-5926.
- Marchetti, Raffaele, (2017) *City Diplomacy, How do you analyze the present status of city diplomacy?* No 18 Academic Foresights.

- Melissen, Jan (2005). *The New Public Diplomacy: Soft Power in International Relations*, New York: Palgrave Mac Millan.
- Surmacz, beata, (2018), *City diplomacy*, Barometer regionalny, 16 NR 1.
- van der Pluijm, Rogier, (2007), *City Diplomacy: The Expanding Role of Cities in International Politics*, The Hague, Netherlands Institute of International Relations Clingendael, Clingendael Diplomacy Papers No. 10.
- Van Overbeek, Fons (2008), *City Diplomacy The Roles and Challenges of the peace building equivalent of decentralized cooperation*, Universiteit Utrecht.
- Wang, Jian (2006), 'Localising Public Diplomacy: The Role of Sub-National Actors in Nation Branding', *Place Branding*, vol. 2, no. 1.